

رفائیل

« اگر آسمان را قدرت نقاش ارادی و عمدی بود همانا تصاویر رفائیل را بهترین سرمشق میدانست »
 « زمان اگر بر همه چیز دست یابد و آثار ادبی را فرسوده سازد، ابلیاد و همرو فاسمه افلاطون و تصاویر جادوان رفائیل را، جوان نگاه خواهد داشت » .

اینک وصف هنر رفائیل را از زبان اهل فن بشنوید . یکی از نقادان نامدار فرنگ وقتی عین تصاویر رفائیل را دیده بود چنین گفته است : من شنیده ام از آثار فلم رفائیل ذوق و قدرت صنعت بیمانندی جلوه گر است . اکنون مینگریم اینها فرشتگانی هستند که از چهره شان فروغ ایمان و ابدیت ولطافت ملکوتی ، میریزد .

دیگری که از نقاشان مشهور بوده چنین مینویسد : هنر رفائیل ، قرهنگ مخصوصی است که نظیر ندارد ، کسانی میگویند رفائیل زنی (نایبه) نبوده و از فرط تمرین و تعام این چیره دستی را اکتساب کرده ، چنین باشد ، این صبر و عشق سوزان که او داشته است خود ، موهبتی است مخصوص نوابغ .

رفائیل ، روز ۲۸ مارس ۱۴۸۳ میلادی متولد شد پدر او دوستدار دانش و علما بود و با ایشان آمیزش دوستانه داشت . رفائیل در عهد کودکی میدید پدرش تا کجا در تکریم و تعظیم علماء و ادبا میگوشتید و از همان اوان ، شرقی بدانش و هنر در او پدید آمد و رشته این شوق او بانجا کشید که همه عمر را نتاز صنعت و علم و فن نمود .

رفائیل ، علاوه بر ذوق خدادادی مزایای چندی داشت که در ایجاد قدرت صنعتی او دخالت داشته است .

رفائیل برخلاف نقاشان معارضش معنقد بود که علوم و ادبیات عالی باید مواد نقاشی را آماده سازد و تاثیر و پیوستگی کلامی را که علم با صنعت دارد بذوق و هوش خود دریافته بود و از اینرو ساعتی از شبانه روز را مخصوص کسب علوم رایج عصر خود ساخته بود و در اواخر عمرش از فضایی متبخر شمرده میشد .

رفائیل دارای ملکات و فضایل ارجمندی بود و این پا کدلی و نجابت او نیز از علل عظمت او میباشد . در سال ۱۵۱۴ که در اوج شهرت بود مکتوبی بخالوی خود نوشته و از آن مکتوب ، معلوم میشد که این مرد بزرگ بمقام ارجمند خود آگاه است و میدانند در عالم صنعت مانندی ندارد و ازین توفیق و شهرت که عایدش شده سخت خرسند است ولی ازین شهرت خود چنان بتواضع سخن میگوید که هر خواننده‌ای باختیار بهلو منزلت اخلاقی این اسناد بزرگ اعتراف میکند .

هزیت دیگر او عاطفه نیرومند جمال پرستی اوست . رفائیل میدانست طبیعت هر چه قدرت داشته در زیبایی و آرایش زن بکار برده و درین زمینه عبارتی از رفائیل بیادگار مانده که هم ذوق سلیم ادبی و هم اندازه جمال پرستی او و هم تکریمی که بجنس لطیف میکرده است مینماید از جمله میگوید : نقاشی ما باید احیا شود و زنان ، عامل معنوی این ترقی و تجدیدند ، و هم بارها می گفته است : من ، ذوق زنان را در انتخاب نمونه های زیبایی آقدر صائب و سلیم میدانم که تقدیس میکنم . رفائیل زن را بهارات دلپسندی تعبیر میکرد . گاه آنانرا فرشتگان معصوم و گاهی ارواح مجسم و گاهی آینه های صنعت میخواند . خودش اعتراف میکند که من نمونه های جمال را از مطالعه در رخسار و اندام این ارواح مجسم (زنان) اقتباس کرده ام .

رفائیل نزد - تومیتووا نقاش معروف آلمان بشاگردی گرفت و دبری نگذشت استاد ، از هوش و ذوق این شاگرد جوانش ، در شگفتی ماند و رفائیل خصایص هنر تومیتووا را چنان تقلید میکرد که نقادان میگویند هیچکس نمیتواند میان تصاویر تومیتووا با تالیفیکه رفائیل از او کرده فرقی بگذارد .

تومیتووا گفته بود ، این جوانک ، (رفائیل) موجود عجیبی است . میخواهد با عماتی حقیقت جمال برسد .

رفائیل در سال ۱۵۰۴ نخستین شاهکار خود را آشکار ساخت و بدعوت دوستی فلورانس رهسپار شد .

فلورانس ، در آن ایام ، کانون هنرمندان بود و رفائیل در فلورانس ، خود را در جهانی نادیده بنگریست و دقایق صنعتی اساتید سلف و معاصر را بدقت مطالعه نمود . در آغاز اقامتش در فلورانس ، تصویر سنت انتونیوس ؟ و تصویر مادونا ؟ را نگاشت . تا بهو سنت انتونیوس را چند سال قبل بصد هزار یوند انگلیسی فروختند و تصویر مادونا را - که اکنون در موزه لندن است به هفتاد هزار یوند انگلیسی خریداری کردند .

رفائیل ، بلند آوازه شده بود و یکی از طرفا بیاب ژولیبوس دوم تفر داد که رفائیل را دعوت کند تا در نقاشیهای واتیکان ؟ شرکت نماید .

رفائیل در سال ۱۵۰۵ بشهر رم آمد و نخستین شیرینی شهرت را چشید و چون خود را انباز و در شمار مشهورترین نقاشان عصر دید معروض عواطفی مختلف شد . هم شادمان بود هم بترقی بزرگ خود اعجاب میکرد و هم میدید محسود اقران شده و هم پای بست اخلاق نیکه بود و از همه اینها مهمتر آنکه عاشق شده بود .

کاخ ادب و صنعت همیشه بر اساس عاشقی و شهادتی افراشته است همه جا فریادهای عاشقانه با زمزمه هنر ، همراه بگوش میرسد . همیشه دلهای هنرمندان از شراره عاشقی ، افروخته است آنش عشق صاحبان ، خاموشی ندارد .

رفائیل سالها بود میدید دانش آشفته است و گمشده‌ای دارد. میدانست چراغ صنعتش باید از روغن عشق افروخته شود تا بر توش جاودان بماند و در فلورانس گمشده خود را یافت و او دختری بود که محاسن معنوی را باجمالی بیمانند داشت و رفائیل سر عشق و بندگی بر آستان او نهاد و ازین ایام است که فیض آسمانی عشق معلم او شده و این زبردستی را باو میبخشد که جهانرا حیران ساخته است.

یکی از آثار بیمانند و جاودان رفائیل تصویری است که از خودش ترسیم کرده و چنانکه محققین نوشته‌اند و این صورت شهادت میدهد رفائیل را جمالی فائق برده و ازین صورتش نمودار است که نگاهی نافذ و روحی پاک و دلی شیدا دارد و شادابی جوانی و دلبری شاعرانه‌اش بیننده را مجذوب میکند و این تصویر اکنون در فلورانس محفوظ است.

رفائیل بزودی مورد تفاق خاطر پاپ شد و در مراسله‌ایکه بخالوش مینویسد از عنایات مخصوص پاپ تشکر میکند.

رفائیل تدریجا چنان محترم و عالی‌مقام شده بود که اشراف ایتالیا بمعشرت او مباحثات میکردند و رفائیل یاس دوستی را رعایت کرده تصاویر اغلب ایشانرا کشیده که بعضی از آنها هنوز موجود است.

تابوهای رفائیل که کاملترین نمونه قدرت هنر است درین عهد از حیات او ایجاد شده و ۸ قطعه از آنها برترین آیت سحر انگیزی و توانائی ذوق بشری است.

رفائیل میتوانست هر چه را در آنچه تصویر خویش مینگردد تصویر کند. رفائیل چنانکه گفتیم از سرچشمه ادب و حکمت یونانی سیراب شده و اساطیر ملل قدیم را با علوم دین مسیح بخوبی آموخته بود و این دانش سرشار او ماده هنرش بود و روح فلسفی او از خلال آثارش جلوه گراست.

پاپ زولیوس دوم ۱۲ روزی گفته بود رفائیل اعجوبه آفرینش است. باین تابو هایش دقت کنید تعجب خواهید کرد که چگونه توانسته است شعر، ادب، تاریخ، حکمت، زیبایی و هنر را بهم بیامیزد!

رفائیل بر یکی از دیوارهای واتیکان تالموی نگاشته که بنام مدرسه آن مشهور است و نگارنده در طی مقالات، دبستانهای یوان - شرحی کافی در باره این تابو نگاشته‌ام که بزودی منتشر خواهد شد.

پاپ حجرات فوقانی کاخ واتیکان را با اختیار رفائیل سپرد که بر دیوارهای هر چه میخواهد بنگارد، و نقوش و تصاویری که بر آن دیوارها نگاشته نه تنها مظاهر ابداع و ابتکار او و برترین آثار نقاشی جهان است بلکه بگفته یکی از مورخین این تصاویر جلوه‌های جلال آسمانی است که بر رخسار ماده میثابت.

پاپ ازین چیره دستی رفائیل شیفته و حیران شده بود و باو اجازه داد که از تصاویر واتیکان که کار نقاشان دیگر است - هر چه بخواهد محو کند و خود بر آنها نقاشی کند ولی رفائیل

که مجمع نجابت و عواطف نیکو بود باین کار تن نداد و روا ندانست زحمات دیگر هنرمندان نابود شود و شهرت آنان پسا بمال عظمت او گردد و این بزرگواری او نیز جاوه ای بیمانند از آفتاب روح او است .

رفائیل بر دیوارهای رانیکان نساویری نگاشت که قطعات عدل سلیمان و فیروزی ایولو و مدرسه آن از آنهاست و در سال ۱۵۱۴ از نقاشیهای وانیکان و ترسیم صورت پاپ ژولیوس دوم فارغ شد .

ساعت موحش جدائی فرا میرسد

در اوایل ماه اپریل ۱۵۲۰ رفائیل دچار تب سختی شد و در چهارم آناه احساس کرد که مرگش نزدیک شده و چشمش را برای پذیرائی جان نیست. وصیت نامه نگاشت و روز ششم آوریل در گذشت .

اینک اشاره بچند قطعه از آثار جاویدان او .

یکی از آثار شاهکار رفائیل تصویر پاپ است ، مهمترین مظهر زبر دستی رفائیل درین تابلو ، لبان خندان پاپ میباشد که بخوبی مینماید که پاپ میخواهد آلام وضع شیخوخت را در یرده تبسم خویش مستور دارد .

دیگری تابلو مادونا است که اکتفم بهفتاد هزار یوند انگلیسی خریداری کردند. دیگر صورتی است معروف به بوتیت کارلند؟ که کودکی را نشان میدهد سرایا برهنه و در کمال نشاط و جمال و از چهره اش سادگی صباوت و دلبری دوشیزگان نمودار است .

دیگر تابلویی است که اکنون در یتی بالاس در فلورانس محفوظ است و این تصویر را در سال ۱۷۷۹ دولت فردیناند سوم خریده بود و چنان شیفته آن تابلو بود که در سفرهایش نیز همراه میبرد .

۱۰ فرزانه

تذکار

مقاله مسجد « لطف الله » نگارش « پروفیسور پوپ » که در شماره پیش طبع شده بود ترجمه آقای « ش . ناصر » بوده و اشتباهاً نام مترجم در ذیل مقاله طبع نشده است .